



گزارش

## بررسی سند

# راهبرد امنیت ملی آمریکا

شماره: ۱۳۳

پهمن ماه ۹۶

رصدخانه روابط بین الملل

ترجمان روز نگاهی است خبری و تحلیل گرایانه به اقدامات و پدیده های جهانی در حوزه فرهنگی، اجتماعی و روابط بین الملل

### سخنی با خوانندگان:

رصد مداوم و تجزیه و تحلیل آخرین رویدادها در عرصه بین الملل برای ایجاد شناخت، روند شناسی و برنامه ریزی صحیح از جمله نیازهای ضروری است.

بدین منظور گروه رصدخانه روابط بین الملل مجمع جهانی صلح اسلامی این مهم را در دستور کار خود قرار داده و بخشی از آن را به صورت موردی با عنوان ترجمان روز منتشر می نماید.

هر گونه مساعدت و همفکری در جهت افزایش غنای این گزارش های خبری و تحلیلی مزید امتنان است.

بدیهی است طرح گزارش ها و تحلیل ها گرایشی نبوده و به عنوان نظر رسمی این مجمع نیز تلقی نمی گردد.

از آنجا که این گزارش صرفاً برای تعدادی از مسئولان و مدیران انتشار می یابد، بهره برداری، انتشار و کپی برداری از مطالب با هماهنگی این

مجمع مجاز خواهد بود. تلفن: ۸۸۵۳۸۲۴۸ ایمیل: [iwpcf2008@gmail.com](mailto:iwpcf2008@gmail.com) — آدرس تلگرامی: @iw\_peace

بسمه تعالی

# بررسی سند راهبرد امنیت ملی آمریکا

## NATIONAL SECURITY STRATEGY

*of the United States of America*

DECEMBER 2017



### مقدمه

سند استراتژی امنیت ملی آمریکا که به صورت دوره ای منتشر می شود، می کوشد تا یک طرح راهبردی برای حفظ و تقویت هژمونی آمریکا و تحکیم بخشی موقعیت جهانی آمریکا را دنبال نماید. سند استراتژی امنیت آمریکا را نمی توان به عنوان یک سند صادق مورد اهتمام قرار داد، زیرا این سند صرفاً راهبردهای اعلامی است نه اعمالی. ممکن است آنچه در واقعیت طی سال های آتی رخ می دهد با آنچه در این سند آمده متفاوت باشد، جدا از اینکه احتمالی دارد در سال های آتی سند دیگری برای تشریح راهبردهای امنیت ملی در دولت ترامپ منتشر شود و همین راهبردهای اعلامی نیز به گونه ای دیگر اعلام شود. با این حال این سند فضای فکری تیم ترامپ و افکار برنامه های آمریکا در جهان را مشخص می سازد.

### ۱- خلاصه مدیریتی

دولت ایالات متحده آمریکا، در اواخر سال گذشته میلادی اقدام به انتشار سندی تحت عنوان «استراتژی امنیت ملی» کرد که مهم ترین اولویت ها و چالش های اساسی این کشور در نقاط مختلف جهان را معرفی می کند. به جهت اهمیت موضوع و شناخت سیاست خارجی دولت ایالات متحده آمریکا، اندیشکده راهبردی تبیین تصمیم به تحلیل استراتژی اعلام شده دولت آمریکا به روش گروه متمرکز و با بهره گیری از کارشناسان حوزه های مختلف خود گرفت. در این راستا بعد از ارزیابی

بخش‌های مختلف سند، بخش چهارم آن، که به افزایش نفوذ آمریکا، شامل راهبرد منطقه‌ای این کشور مربوط می‌شود واجد بیشترین اهمیت تشخیص داده و برای بررسی و تحلیل بیشتر انتخاب شد. گزارش پیش رو، مربوط به جلسه گروه متمرکز می‌شود که بدین منظور تشکیل شده و حاوی یک مقدمه با تمرکز بر پیشینه و چستی سند استراتژی امنیت ملی، یک معرفی از سند استراتژی امنیت ملی، تحلیل کلیات سند، تحلیل بخش‌های مختلف سند و جمع‌بندی می‌شود. در تحلیل بخش‌های مختلف سند، به برنامه‌های ایالات متحده آمریکا در نقاط مختلف جهان پرداخته شده است. به صورت کلی سعی شده است تا تمرکز اصلی بر روی نقاطی قرار گیرد که در سند مورد توجه جدی و اساسی بوده‌اند.

## ۲- مقدمه

استراتژی امنیت ملی [۱] سندی است که طبق قانون ایالات متحده آمریکا، روسای جمهور این کشور ملزم به ارائه آن هستند. در این سند مهم‌ترین تهدیدات و اولویت‌های راهبردی ایالات متحده آمریکا مشخص و راه‌های مواجهه با آن‌ها تعیین می‌شوند. در واقع این سند، ارائه‌دهنده استراتژی کلان و اهداف کلی آمریکا در رابطه با امنیت ملی این کشور است [۲]. در دسامبر ۲۰۱۷، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، اقدام به انتشار سند استراتژی امنیت ملی دولت خود، کرد. این سند از یک مقدمه و چهار رکن تشکیل شده است. «محافظت از مردم آمریکا، سرزمین مادری و سبک زندگی آمریکایی»، «گسترش رفاه و رونق اقتصادی در آمریکا»، «حفظ صلح از طریق قدرت» و «افزایش نفوذ آمریکا» ارکان این سند هستند. رکن سوم و چهارم به صورت مستقیم‌تری ناظر بر نگاه و راهبرد آمریکا در جهان است.

## ۳- معرفی سند استراتژی امنیت ملی آمریکا

استراتژی امنیت ملی، مجموعه‌ای از استراتژی‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی در حوزه‌های داخلی و خارجی راجع به روش‌های بهینه تأمین امنیت ملی ایالات متحده آمریکا است. الزام دولت آمریکا به ارائه سند استراتژی امنیت ملی به تصویب قانون «گلدواتر-نیکلز» [۳] در سال ۱۹۸۶ برمی‌گردد. گفته می‌شود برداشت کنگره آمریکا مبنی بر ضعف این کشور در حصول به اهداف نظامی خود و نیز محیط بین‌المللی در حال تغییر آن دوران علت تصویب قانون گلدواتر-نیکلز و الزام رئیس‌جمهور آمریکا به ارائه استراتژی امنیت ملی است [۴]. سند استراتژی امنیت ملی دولت آمریکا در هر دوره‌ای، تلفیقی از مؤلفه‌های ثابت سیستم امنیت ملی ایالات متحده و برنامه‌ها و اولویت‌های رئیس‌جمهور و کابینه این کشور است. حفاظت از خاک، مردم و سبک زندگی آمریکایی، رهبری و برتری آمریکا در جهان خارج، تحکیم ائتلاف با دوستان و تقابل با دشمنان آمریکا از جمله مؤلفه‌های ثابتی است که تقریباً می‌توان در تمامی اسناد استراتژی امنیت ملی آمریکا مشاهده کرد. در مقابل اولویت‌های رئیس‌جمهور و دولت این کشور مانند آنچه در دوران تبلیغات انتخاباتی مطرح شده است نیز بخش مهمی از اسناد استراتژی امنیت ملی آمریکا را تشکیل می‌دهند.

طبق قانون، اسناد استراتژی امنیت ملی آمریکا باید به صورت سالانه و در تاریخی که رئیس‌جمهور لایحه بودجه سال بعد را ارائه می‌دهد، به کنگره تحویل داده شود. رونالد ریگان اولین رئیس‌جمهوری است که طبق قانون گلدواتر-نیکلز سند استراتژی امنیت ملی دولت خود را ارائه داد. ریگان این سند را تلاش مشترک از سوی دولت، کنگره و مردم آمریکا جهت

ترسیم طرحی برای آینده معرفی کرد. جرج بوش پدر نیز بعد از ریگان، سند استراتژی امنیت ملی آمریکا را منتشر کرد که تأکید اساسی آن بر تعدیل سیاست‌ها با چالش‌های یک عصر جدید در دوران پس از جنگ سرد و انجام اقداماتی برای ایجاد نظم نوین جهانی با محوریت آمریکا بود. بیل کلینتون نیز در استراتژی امنیت ملی دولت خود تعامل و گسترش نفوذ آمریکا و جرج بوش پسر بحث قدرت و پیش‌دستی را مورد توجه قرار دادند. باراک اوباما محور اصلی استراتژی امنیت ملی دولت خود را «وداع با گذشته، توجه به تهدیدات جدید» اعلام کرد. در حقیقت استراتژی اوباما از دکتورین جنگ پیش‌دستانه دوران بوش فاصله گرفته و بر همکاری جهانی و دیپلماسی قوی برای بهره‌گیری کمتر از نیروی نظامی تأکید داشت. دونالد ترامپ نیز در ادامه این روند به ارائه استراتژی امنیت ملی دولت خود با محوریت «اول آمریکا» پرداخته است. علاوه بر مؤلفه‌های ثابت سیستم امنیت ملی ایالات متحده آمریکا، اولویت‌های دونالد ترامپ که در شعارهای انتخاباتی خود عنوان کرده بود، به صورت برجسته‌ای در این سند نمایان شده‌اند. از جمله بحث «اول آمریکا» و بازگرداندن آمریکا به دوران اوج شکوه و عظمت خود از نظر اقتصادی و نظامی مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته‌اند.

#### ۴- تحلیل کلیات سند استراتژی امنیت ملی آمریکا

این سند، یک مدرک در دسترس از اولویت‌های ایالات متحده آمریکا است که سیاست‌ها و استراتژی‌های آمریکا را نظام‌مند و قانون‌مند می‌کند. در این سند اعمال سلطه و نفوذ ایالات متحده آمریکا به صورت یک امر لازم و موجه، به نمایش در آمده است. بعلاوه این سند حاوی «ابزارهایی» که آمریکا به وسیله آن‌ها استراتژی امنیت ملی خود را دنبال می‌کند نیز است. روح حاکم بر کل سند یک روح تجارت و اقتصادمحور است و ارزش‌های آمریکایی از محوریت اساسی برخوردارند. دسته‌بندی که این سند از متحدان و شرکای آمریکا ارائه می‌دهد، این امکان را فراهم می‌کند تا مبنایی برای تحلیل نقش آمریکا در کشورهایمانند عراق، به دست آورد. آمریکا در این سند سه نوع قدرت سخت، نیمه سخت و نرم را برای پیگیری اهداف خود پیش‌بینی کرده است.

سند استراتژی امنیت ملی که دونالد ترامپ ارائه کرده است تا حدود بسیار بالایی بر مبنای واقع‌گرایی و واقع‌نگری به جهان بنا شده است، این بدان معنی است که منافع و علایق ایالات متحده در جهانی که رقبا تلاش دارند موقعیت این کشور را متزلزل کنند، در صدر اولویت‌ها قرار گرفته است. یکی از ضوابط دید واقع‌گرایانه به جهان، «رقابتی» دیدن آن است که به صورت ملموسی در سند استراتژی امنیت ملی ترامپ وجود دارد. در کنار رقابتی دیدن جهان، به متحدان و شرکای آمریکا بهای زیادی داده شده و بر ائتلاف جهانی به رهبری آمریکا تأکید و تمرکز شده است. به نوعی دولت آمریکا در این سند پیش‌بینی کرده است تا از طریق شکل‌دهی به یک ائتلاف قدرتمند متشکل از متحدان و شرکای آمریکا، نقش رهبری این کشور در جهان را احیا، تقویت و استمرار ببخشد. به صورت کلی این سند با توجه به مشکلات و چالش‌های فراروی ایالات متحده آمریکا، برنامه‌ها و راهکارهایی را برای حفظ منافع و امنیت ملی ایالات متحده آمریکا ارائه می‌دهد.

#### ۵- تحلیل بخش‌های گزارش

هرچند استراتژی امنیت ملی آمریکا از چهار رکن تشکیل شده است، اما از آنجایی که رکن چهارم به صورت مستقیم با سیاست خارجی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در ارتباط است، کلیات و رکن چهارم سند مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. بعد از تحلیل کلیات سند در بخش قبل، در ادامه، رکن چهارم سند، در دو بخش «افزایش نفوذ آمریکا» و «راهبرد منطقه‌ای» مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

## ۵-۱- افزایش نفوذ آمریکا

برای افزایش نفوذ ایالات متحده آمریکا، سعی شده است تا از راهبرد تقویت ائتلاف و تشویق کشورها برای ورود به ائتلاف با آمریکا استفاده شود. این سند جهان را به گونه‌ای ترسیم کرده است که رقابت بین الگوها وجود دارد، به عنوان مثال در منطقه هند-آرام بین الگوی چین، به عنوان یک الگوی بسته و الگوی آمریکا به عنوان یک الگوی باز، رقابت وجود دارد. از این جهت نقشی که آمریکا برای خود تعریف می‌کند، خیلی جدید نیست، آمریکا خود را رهبر جهان آزاد و دموکراتیک در برابر جهان بسته و استبدادی می‌داند، شبیه همان نقشی که در سال‌های دوران جنگ سرد برای خود قائل بود. همچنین از منظر سند استراتژی امنیت ملی آمریکا، امکان ندارد غلبه خود به خودی جهان آزاد بر جهان استبدادی صورت پذیرد، لذا لازم است تا این کشور برای غلبه الگوی خود در جهان، برنامه‌ریزی و اقدام کند.

در جهت سیاست افزایش نفوذ ایالات متحده آمریکا، در سند پیش‌بینی شده است تا به جای اعطای امتیاز به دولت‌ها، کمک‌ها از طریق شرکت‌ها و بخش خصوصی شود. از این طریق، ایالات متحده آمریکا می‌کوشد تا نوع پیچیده‌تری از وابستگی را بر دیگر کشورها تحمیل و آن‌ها را نسبت به سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های خود مطیع‌تر کند. همچنین این رویکرد در اعطای کمک، زمینه بازگشت‌پذیری سرمایه‌های بیشتری را به آمریکا فراهم می‌کند و به شرکت‌های خصوصی آمریکایی انگیزه بیشتری را برای شراکت با متحدان آمریکا در نقاط مختلف جهان می‌دهد.

در استراتژی امنیت ملی دولت ترامپ، جهت افزایش نفوذ آمریکا در جهان دو مؤلفه «محل نفوذ» و «ابزار نفوذ» دارای محوریت اساسی هستند. در این سند پیش‌بینی شده است تا دولت آمریکا از ابزارهای دولت، شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های بین‌المللی در افزایش نفوذ ایالات متحده آمریکا بهره‌برداری نماید. در سطح منطقه‌ای، به توازن قدرت منطقه‌ای در جهان، آن‌طور که مطلوب آمریکا باشد، توجه شده است. در این سند پیش‌بینی شده است تا از متحدان و شرکای منطقه‌ای آمریکا در مناطق مختلف حمایت‌های لازم به وجود آید تا توازن قدرت منطقه‌ای مطلوب آمریکا شکل گرفته و حفظ شود. نکته‌ی دیگری که وجود دارد این است که روحیه انحصارطلبی آمریکا در این سند کاملاً مشهود است. هرچند بحث تجارت و اقتصاد به صورت محوری مطرح شده‌اند اما استراتژی امنیت ملی آمریکا از توجه به شبکه‌سازی برای گسترش ارزش‌های آمریکایی غافل نبوده است.

در این سند به صورت تقریباً آشکاری، بحث نفوذ اقتصادی و سیاسی در کشورهای مختلف از طریق صندوق‌های توسعه‌ای مطرح شده است. از این طریق ایالات متحده آمریکا برنامه‌ریزی می‌کند تا وابستگی سیاسی و اقتصادی کشورها به خود را افزایش دهد. به عنوان نمونه از شرکت میلیونیوم چلنج کورپوریشن، به عنوان شرکتی یاد شده است که کشورهایی را انتخاب

می‌کند که متعهد به اصلاحات مورد نظر آمریکا هستند تا پروژه‌های اصلاحی آنان را نظارت و ارزیابی کند. نکته دیگر اینکه تعهد آمریکا برای حمایت از کشورها یک تعهد انتخابی است و می‌تواند معیارهای متعدد دیگری برای ارائه کمک‌های آمریکایی ملاک قرار گیرد و کشورهایی در اولویت قرار دارند که ضعف و شکست دولت در آن‌ها می‌تواند تهدیدات علیه آمریکا را افزایش دهد. نتیجه اینکه ایالات متحده آمریکا می‌خواهد یک سیستم وابسته اقتصادی در کشورهای متحد و شریک خود ایجاد کند تا همسویی آن‌ها را با سیاست‌ها و برنامه‌های خود، تضمین کند. همچنین در این سند، تعهد آمریکا به حمایت از اصلاح طلبان کشورهای مختلف که می‌خواهند اصلاحات مورد نظر آمریکا را انجام دهند مورد توجه قرار گرفته است.

## ۵-۲- راهبرد منطقه‌ای

در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا که توسط دولت دونالد ترامپ تهیه شده است، ذیل قسمت «راهبرد منطقه‌ای»، در مورد همه‌ی مناطق جهان شامل منطقه «هند-آرام»، «اروپا»، «خاورمیانه»، «آسیای مرکزی و جنوبی»، «نیمکره غربی» و «آفریقا» ارائه برنامه شده است. در تمام این مناطق نیز قدرت‌های رقیب و متخاصم ایالات متحده مشخص شده‌اند. در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) به نقش ایران اشاره شده است که نشان می‌دهد آمریکا ایران را یک قدرت منطقه‌ای می‌داند. مجموعه سیاست‌ها و برنامه‌های اعلام شده برای مناطق مختلف جهان، در جهت حفاظت و حراست از شأن هژمونی و سلطه طلبانه آمریکا قرار دارد.

## ۵-۲-۱- منطقه هند-آرام

به دلیل وجود بسیاری از اقتصادهای نوظهور در منطقه هند-آرام، در سند استراتژی امنیت ملی آمریکا، توجه ویژه‌ای به این منطقه جهت افزایش نفوذ آمریکا شده است. در این منطقه چین به عنوان رقیب اصلی آمریکا تعریف شده است که تلاش می‌کند با سرمایه‌گذاری‌های کلانی که انجام می‌دهد زیرساخت‌های اقتصادی کشورهای منطقه را در دست گرفته و نفوذ خود را گسترش دهد. بحران شبه جزیره کره به عنوان بهانه‌ای برای حضور طولانی مدت نظامی آمریکا در این منطقه اهمیت بسیار دارد. از کشورهای ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، نیوزلند، هند، فیلیپین و تایلند به عنوان متحدان و شرکای آمریکا در منطقه هند-آرام مطرح شده‌اند. همچنین در بخش مربوط به منطقه هند-آرام از نقش رهبری هند حمایت شده است. این مسئله آشکارا در تضاد با منافع و علایق چین قرار دارد که به نظر می‌رسد در راستای تلاش برای عقب زدن نفوذ چین در منطقه توسط آمریکا باشد.

## ۵-۲-۲- منطقه اروپا

طبق سند استراتژی امنیت ملی، آمریکایی‌ها روسیه را رقیب اصلی خود در اروپا به ویژه نواحی شرقی آن می‌بینند که تلاش می‌کند تا «با استفاده از تمهیدات خرابکارانه تلاش می‌کند تا اعتبار تعهد آمریکا به اروپا را تضعیف و اتحاد فرا آتلانتیکی را سست و دولت‌های اروپایی را تضعیف کند»<sup>[۵]</sup> ملاحظه جدی و اساسی ایالات متحده آمریکا در مورد اروپا - از زمان‌های قدیم - این بوده است که هیچ کشوری از داخل و خارج اروپا بر این قاره مسلط نشود، چراکه تمامیت سرزمینی و منافع آمریکا مورد خطر جدی قرار می‌گیرد. از این جهت روسیه به عنوان کشوری که می‌خواهد از طرقی مانند انرژی بر اروپا مسلط

شود، به عنوان رقیب جدی آمریکا تعریف شده است. در کنار روسیه که تهدیدات آن بیشتر ژئوپلیتیکی است، از تهدیدات چین به عنوان تهدید تجاری-اقتصادی عنوان شده است.

در عین اینکه کلیت سند، آمریکا و اولویت‌های آن را مورد توجه و تمرکز قرار داده است، در قسمت سیاست‌های دفاعی و نظامی آمریکا در قبال اروپا، تعهد ایالات متحده به دفاع جمعی منطبق با پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، اشاره صریح شده است. در این راستا آمریکا با پیش کشیدن بحث «تهدیدات مشترک»، برنامه ریزی برای دفاع مشترک با اروپا را مورد توجه قرار داده است. در حوزه همکاری نظامی و امنیتی با اروپا، توانایی موشکی بالستیک و کروز ایران، به عنوان یک تهدید علیه این منطقه عنوان و تلاش شده است تا استقرار سامانه‌های موشکی آمریکا در اروپای شرقی توجیه شود.

در کل تمرکز ویژه و استراتژیکی به اروپا در این سند شده است. این تمرکز با توجه به آینده نظام بین‌الملل و اینکه تک‌قطبی باشد یا چندقطبی، توجیه پذیر است؛

اول اینکه در فرض جهانی چندقطبی در آینده، اروپا خود یکی از قطب‌های مؤثر خواهد بود. شراکت راهبردی آمریکا با اروپا در چارچوب سیاست خارجی ائتلاف محور، برای این کشور غیرقابل چشم‌پوشی است. و دوم اگر آینده نظام بین‌الملل را تک‌قطبی با محوریت آمریکا فرض کنیم، نقش اروپا به عنوان یک متحد راهبردی و تضمین‌کننده استقرار نظم تک‌قطبی برای آمریکا مهم و حیاتی است.

### ۵-۲-۳- خاورمیانه

نگاهی که آمریکا در سند استراتژی امنیت ملی به این منطقه دارد، بیشتر سلبی است تا ایجابی، به عبارتی دیگر بجای تأکید بر مباحثی مانند ایجاد دموکراسی، ملت‌سازی و... بیشتر بر دفع تهدیداتی که متوجه ایالات متحده می‌شود تمرکز شده است. از این جهت رویکرد آمریکا نسبت به غرب آسیا، یک رویکرد تهدید محور است. در کنار تهدیدات موجود، آمریکا همکاری اقتصادی و سیاسی با شرکا و متحدان خود را در این منطقه مورد نظر قرار داده است. در این سند برای تغییر نظام سیاسی کشورهای منطقه، مطابق نظر آمریکا، بحث اصلاحات گام‌به‌گام مطرح شده است. در مورد شورای همکاری خلیج فارس، بحث یکپارچگی آن مطرح شده است. با توجه به مواضع اخیر قطر به نظر می‌رسد ملاحظه اصلی آمریکا، بازیگری قطر در این زمینه باشد که یکپارچگی شورای همکاری خلیج فارس را زیر سؤال می‌برد.

سند استراتژی امنیت ملی آمریکا، مانند گذشته اتهام تلاش ایران برای دستیابی به سلاح کشتار جمعی را طرح و محاسبات خود را بر مبنای آن انجام داده است. آمریکا با طرح این موضوع به عنوان یک مسئله حل نشده نوعی ایران هراسی را برای تحقق اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی خود دنبال می‌کند. در سطح منطقه ایران هراسی موجب نزدیکی هرچه بیشتر کشورهای مانند حاشیه خلیج فارس به آمریکا می‌شود و در سطح بین‌المللی زمینه اجماع برای فشار بیشتر بر ایران را فراهم می‌کند. برخلاف رفتار اخیر دولت ترامپ در به رسمیت شناختن قدس اشغالی به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی، در سند استراتژی امنیت ملی، طرح صلح جامع بین اسرائیل و فلسطینیان مطرح شده است که نوعی تناقض در عمل و برنامه‌های این کشور محسوب می‌شود.



در مورد کشورهای منطقه، سند استراتژی امنیت ملی آمریکا، بحث حمایت از مصر و عربستان برای مدرن سازی اقتصادهایشان را مطرح کرده است. عربستان انجام این کار را آغاز کرده است ولی در مورد مصر این مسئله نمود بیرونی ندارد. به صورت کلی نگاهی که در سند استراتژی امنیت ملی آمریکا به اقتصاد شده است، نگاه ابزاری است تا وابستگی هر چه بیشتر کشورهای منطقه (و دیگر کشورها) را فراهم کند. در بعد سیاسی نیز با توسل به ایران هراسی، آمریکا تلاش می کند تا کشورهای منطقه را از ایران دور و به خود نزدیک کند. هر چند بحث تجهیز تمامی کشورهای حاشیه خلیج فارس به سیستم دفاع موشکی مطرح شده است، اما تاکنون تحقق نیافته است.

سند استراتژی امنیت ملی آمریکا نقش چین و روسیه را در غرب آسیا به نسبت سایر مناطق، کم رنگ تر ترسیم کرده است یا حداقل اینکه آن‌ها را رقبای اصلی خود معرفی نکرده است. در مقابل نقش و سیاست منطقه‌ای ایران به عنوان کنشگری ناهم سو با سیاست‌های آمریکا ترسیم شده است. در این سند به صراحت اعلام شده است که بروز مسئله تروریسم و گروه‌های تروریستی مانند داعش، باعث شده است که اسرائیل دیگر به عنوان عامل ناامنی و مشکلات منطقه مطرح نشود. این مسئله می تواند اشاره‌ای غیرمستقیم به طراحی پشت پرده آمریکایی-اسرائیلی برای انحراف افکار عمومی از رژیم صهیونیستی باشد. اگر در گذشته آمریکا دو ملاحظه «رابطه با اعراب» و «موقعیت اسرائیل» را در سیاست‌های منطقه‌ای و کمک‌های اعطایی مورد نظر قرار می داد، امروز همگرایی بین اعراب به ویژه عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی تا اندازه‌ای بالا است که آمریکا در محاسبات خود ملاحظه‌ی گذشته را وارد نمی کند.

#### ۵-۲-۴- آسیای مرکزی و جنوبی

دو مسئله مهم برای آمریکایی‌ها در این منطقه، «تجارت» و «تروریسم» است. با توجه به رقابت و حضور روسیه و چین در مسائل این منطقه آمریکا طرحی را برای مدیریت مسائل آسیای مرکزی و جنوبی با محوریت هند ارائه داده است. در سند استراتژی امنیت ملی آمریکا پیش‌بینی شده است که هند در مسائل این ناحیه به صورت جدی تری وارد شود که احتمالاً با علائق و منافع پاکستان همخوانی زیادی نداشته باشد. به صورت کلی آمریکا تلاش می کند تا از طریق اعطای امتیاز و کمک به کشورهای این منطقه آن‌ها را از روسیه و چین دور نگه دارد.

#### ۵-۲-۵- آفریقا و نیمکره غربی

در سایر مناطق، از جمله آفریقا و نیمکره غربی شامل کشورهای آمریکای لاتین، جدی ترین ملاحظه مطرح شده در سند استراتژی امنیت ملی آمریکا حضور روسیه و چین به عنوان رقبای ایالات متحده در این مناطق است. به ویژه برنامه‌هایی که روسیه در آمریکای لاتین و چین در آفریقا پیگیری می کنند، دولت آمریکا و ادار کرده است که در قامت یک رقیب به برنامه ریزی برای مقابله با آن‌ها پردازد. در آمریکای لاتین با توسل به برجسب «حکومت‌های دیکتاتوری» تلاش آمریکا بر فشار بیشتر بر این کشورها برای همسویی با این کشور است. ونزوئلا نمونه‌ای از این کشورها است که با تحریم‌های شدید آمریکا مواجه بوده و حتی چندی پیش ترامپ دخالت نظامی آمریکا در ونزوئلا را مطرح کرده بود که با موضع گیری جمعی بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین مواجه شد.

## ۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آمریکا برای طراحی راهبردی جهت تقویت هژمونی خود در جهان و مقابله با چالش‌های پیش‌رو در زمان بندی‌های مشخص ضمن رصد، بررسی و مطالعه حوادث، پدیده‌ها با نوعی نگاه آینده‌پژوهانه اقدام به تهیه و انتشار سندی تحت عنوان "سند استراتژی امنیت ملی آمریکا" می‌کند.

این سند در حالی که نوعی نگاه آمریکا به پدیده‌ها، مناطق و چالش‌های جهانی متوجه آمریکا را دنبال می‌کند، غیرمستقیم به دنبال جهت‌دهی حرکت‌های جهانی به نفع آمریکا یا بسترسازی افکار و تصمیمات جهانی را به سمت خود برنامه‌ریزی می‌کنند. یکی دیگر از اهداف آشکار و پنهان این سند تلاش برای حفظ و ارتقاء سطح تاثیرگذاری و اعمال قدرت در داخل و خارج آمریکا است.

این اقدام راهبردی در آمریکا بعد از انتخاب ترامپ تاثیر پذیرفته از نگاه او و راهبرد جدید نظام قدرت در آمریکا است که تلاش می‌کند باز احیاء قدرت جهانی آمریکا را سیمای خود قرار دهد.

در این سند ضمن نمایش واقع‌گرایانه و اهمیت دادن به امنیت اقتصادی در کنار امنیت نظامی تلاش دارد تا خود را از بعضی اتهام‌ها و رویه‌های غلط این روزهای آمریکا از تصور جهانی دور کرده تصویری دموکراتیک برای خود ارایه نماید.

باید بر این نکته اذعان داشت که برای نخستین بار طی سال‌های اخیر که دولت آمریکا با نیروهای تروریستی افراطی، درگیری و چالش‌های فراوانی داشته و تمرکز اصلی خود را از مبارزه با گروه‌های تروریستی برداشته و دولت‌های رقیب مثل چین، روسیه و ایران را به عنوان کشورهای متخاصم معرفی می‌کند.

البته دشمن‌سازی بزرگ همیشه به عنوان یک رویه آمریکا مورد نظر بود و برای آن کمیته‌ای تحت عنوان کمیته خطر جاری تاسیس کرده که در پرتو معرفی دشمن با دشمنان بزرگ سعی در ایجاد نوعی همبستگی ملی و ائتلاف سازی جهانی به نفع قدرت حاکمه آمریکا را دنبال می‌کند تا مسیر اقدامات را جهت حفظ و تقویت هژمونی آمریکا و کلیت حداکثری منافع را دنبال نماید. البته باید بر این نکته تاکید نمود که ترامپ با اتخاذ سیاست‌های یکجانبه‌گرایی، انزوای آمریکا را نسبت به گذشته بسیار تشدید نموده است، بنابراین با بررسی این سند نمی‌توان بیان کرد که ترامپ خود مهمترین مانع رای گسترش نفوذ جهانی آمریکا است.

منتظر ارایه نظرات و پیشنهادات تکمیلی شما نخبگان و کارشناسان گرامی خواهیم بود.

(صدفانه روابط بین‌الملل مجمع جهانی صلح اسلامی)